



جایگاه ساده‌زیستی در ایجاد آرامش و تعالی زندگانی

■ دکتر محمد حسین مردانی نوکنده - مدرس دانشگاه گلستان

■ مقدمه

از موضوعاتی که در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان تأثیر به‌سزایی دارد، سبک زندگی در پرتو ساده‌زیستی و قناعت است که کمتر به آن توجه شده است. در حالی که از نظر فرهنگ دینی، یکی از ارزش‌های متعالی به حساب می‌آید. زندگی بر اساس ساده‌زیستی، پاسخ انسان‌های دانا به حیات ناپایدار دنیاست که در پرتو آن، آرامش درون و برون حاصل می‌شود. بنابراین، ساده‌زیستی با نوع شناخت انسان و نگرش او به زندگی دنیا مرتبط است. در عصر حاضر، دو نگاه افراطی و تفریطی به بهره‌مندی از مواهب الهی و مادیات دیده می‌شود. عده‌ای در مادیات دنیا غوطه‌ور شده و اسیر زرق و برق و تجملات آن گردیده‌اند و برخی مانند راهبان مسیحی و صوفیان مزور، تارک دنیا شده و از جهان ماده یا به کلی بی‌خبرند و یا می‌خواهند باز زندگی زاهدانه، افکار مردم را به خود جلب کنند.

رشد فزاینده عوامل قدرت و ثروت و ترویج مصرف‌گرایی در عصر حاضر، خطر روی آوردن به زندگی تجملاتی و فرورفتن در مرداب دنیا را افزایش داده است. وضعیت فوق و آثار زیان‌بار تجملاتی می‌طلبند که سبک زندگی و ویژگی‌های ساده‌زیستی و آثار مثبت آن را بررسی کنیم تا از خطرات دل‌بستگی تام و تمام به مواهب دنیوی و تجمل‌گرایی در امان بمانیم.

ساده‌زیستی مورد نظر اسلام عبارت است از: عدم دل‌بستگی به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی و بی‌پیرایه بودن که مقابل آن، تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی است.

ساده‌زیستی با مفهوم زهد و بی‌رغبتی، ارتباط تنگاتنگی دارد. استاد مطهری می‌گوید: "زهد، حالتی است روحی و زاهد از آن نظر که دل‌بستگی‌های معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی‌اعتناست. این بی‌اعتنایی و بی‌توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس قلبی نیست و در مرحله ضمیر پایان نمی‌یابد. زاهد در زندگی عملی خویش، سادگی و قناعت را پیشه خود می‌سازد و از تنعم و تجمل و لذت‌گرایی پرهیز می‌نماید. زاهد جهان آن‌ها هستند که به حداقل تمتع و بهره‌گیری از مادیات اکتفا کرده‌اند." (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴)

■ جایگاه ساده زیستی در مبانی اسلامی

از نظر اسلام، ساده زیستی، یک ارزش معنوی است. پیشوایان دین، ساده زیستی و قناعت را ارزشی والا می دانستند و افراد ساده زیست را می ستودند. امیر مؤمنان علی (ع) در مورد "صعصعه بن صوحان" می فرماید: "انک ما علمت حسن المعونه خفيف المونه (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۴) همان تا آنجا که دانستم، یآوری نیکو و کم هزینه ای." هم چنین آن حضرت در توصیف زید بن صوحان که در جنگ جمل به شهادت رسید، فرمود: خداوند تو را رحمت کنده ای زید که به راستی کم هزینه و پر کار بودی. (بیشین، ص ۶۷) امام علی (ع) از میان همه کمالات صعصعه و زید به این ویژگی مهم آنان (کم هزینه و پر کار بودن) اشاره می کند تا جایگاه ارزشی ساده زیستی برای همگان مشخص گردد. در اهمیت این مقوله ارزشمند همین بس که همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم، به آن متصف بوده اند.

■ ساده زیستی و سیره پیامبران

سادگی و بی پیرایگی فرستادگان الهی، به عنوان اصلی اصیل جلوه ای خاص در رفتار، معاشرت و نشست و برخاست آنان دارد. امام علی (ع) از ساده زیستی پیامبران خدا خبر داده است. آن حضرت می فرماید: موسی (ع) به خدا عرض کرد: پروردگارا! من به آنچه از نیکی به سویم فرستادی نیازمندم، به خدا سوگند، موسی جز نانی که آن را بخورد از خدا چیزی نخواست، زیرا وی از سبزی زمین می خورد تا آن جا که به دلیل لاغری تن و آب شدن گوشت بدن، رنگ آن سبزی از پوست شکم او نمایان بود، و اگر بخواهی از حضرت داوود (ع) بگویم که به دست خود از لیف خرما زنبیل می یافت و از بهای آن، گردهای نان جوین تهیه می کرد و می خورد و اگر بخواهی از عیسی بن مریم (ع) بگویم که سنگ را بالین خود قرار می داد و جامه درشت [و خشن] می پوشید و خوراک ناگوار می خورد و خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب، ماه و پناه گاهش در زمستان، شرق و غرب زمین بود. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)

پیامبر اسلام (ع) نمونه کامل ساده زیستی است. امام علی (ع) در توصیف آن حضرت می فرماید: برای تو کافی است که رسول خدا را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و بسیاری خواری و زشتی های آن باشد، چه این دلبستگی های آن از او گرفته شده و برای غیر او گسترده شده است؛ از نوش آن نخورد و از زیورهایش بهره نبرد. (همان)

آن حضرت در ادامه می فرماید: پیامبر (ص) روی زمین غذا می خورد و همچون بندگان می نشست و به دست خود کفشش را پینه می زد و جامه خود را وصله می کرد و بر الاغ بی بالان سوار می شد و دیگری را در پشت سر خود سوار می کرد. (همان)

رسول خدا (ص) از سیره پادشاهان و نوع برخاست و رفت و آمد و تشریفات آن ها ساخت بیزار بود. مردی نزد پیامبر آمد تا با وی سخن گوید، اما چون پیامبر (ص) را دید، دست پاچه شد و به لرزه افتاد. حضرت به او فرمود: راحت باش، من که پادشاه نیستم. من فرزند همان زنم که گوشت خشکیده می خورد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۹)

■ امام علی (ع) و ساده زیستی

حضرت علی (ع) و فرزندان، پاسداران سیره نبوی بودند و در ساده زیستی از آن بزرگوار پیروی می کردند. آن حضرت می فرماید: به خدا سوگند، این جامه پشمین خود را آن قدر وصله کرده ام که از وصله کننده آن شرم دارم. (نهج البلاغه، همان)

امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: علی (ع) در کوفه به مردم نان و گوشت می خوراند و خود طعامی جداگانه داشت. بعضی گفتند: کاش می دیدیم که خوراک امیر مؤمنان چیست؟ پس عدلهای به طور سر زده به حضور امام رسیدند، غذای او چنین بود: تریدی (خردهای) از نان خشکیده خیسیده به روغن که با خرما می فشرده آمیخته شده بود و آن خرما را از مدینه برای وی می آوردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۴۷)



۲- ایثار

یکی دیگر از فلسفه‌های ساده زیستی، ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود است. ایثار از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و فقط انسان‌های بسیار بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند. ایثار گراز این که نیازمندان را بخوراند و بیوشاند و به آنان آسایش برساند بیش از آن لذت می‌برد که خود بخورد و بیوشد و استراحت کند. به قول سعدی در گلستان:

اگر لذت ترک لذت بدانی

دگر لذت نفس ذلت نخواهی

نمونه بارز ایثار امام علی (ع) و خاندان پیامبر (ص) در سوره انسان منعکس شده است. آن بزرگواران برای رضای خدا طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند. مشهور است که امیر مؤمنان علی (ع) باغی را که پیامبر (ص) درخت نشانده و بادست خود آب داده بود، به دوازده هزار درهم فروخت و وقتی نزد خانوادهاش آمد، از آن هیچ نموده بود و همه را در راه خدا داده بود. حضرت فاطمه (س) به وی گفت: می‌دانی چند روز است که ما خوراک نخوردیم و گرسنگی بر ما چیره گشته است، پس چرا قدری از آن را نگه نداشتی؟ حضرت فرمود: چهره‌هایی زرد و دردمند را که نمی‌خواستیم ذلت خواهش را در آن‌ها ببینیم، مابرا داشت از این که چیزی از آن را نگه دارم. (رازی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶)

■ ساده‌زیستی در عصر پیشرفت و تکنولوژی

ممکن است این توهم پیش آید که در این زمانه که عصر تکنولوژی و پیشرفت است، ساده زیستی ممکن نیست و اساساً سخن گفتن از این مقوله، بیهوده و نابجاست. زیرا ماهیت تکنولوژی، زهد و ساده زیستی را بر نمی‌تابد. حیات تکنولوژی فزون خواهی و گسترش است و همواره در پی تولید و تکثیر می‌باشد. پس یکی از مقتضیات آن، ترویج مصرف‌گرایی و ارزش بودن آن است.

در پاسخ باید گفت: تکنولوژی، محصول اندیشه و عمل انسان است، نه پدیده‌ای خود مختار است و نه می‌تواند انسان را به دنبال خود بکشاند. البته در این که یکی از ویژگی‌های تکنولوژی، ترویج مصرف‌گرایی است، تردیدی نیست، اما این خواست انسان است که اگر به دنیا روی آورد، برای خود مصرف‌های نو می‌آفریند و در پی ایجاد نیازهای دروغین می‌افتد. انسان می‌تواند از فواید تکنولوژی بهره‌جوید ولی اسیر آن نباشد.

سخن در بهره‌مندی از تکنولوژی نیست، بلکه سخن در این است که بهره‌مندی از آن به چه قیمتی باید تمام شود. تکنولوژی باید در خدمت بشر باشد، نه این که انسان در خدمت تکنولوژی باشد. اگر ساده‌زیستی نسبی را یک ارزش بدانیم، فرقی میان عصر تکنولوژی و جز آن وجود ندارد. البته باید اذعان کرد که می‌توان عصر حاضر، ساده‌زیستی را انتخاب کرد و در عین فعالیت اقتصادی و بهره‌مندی از مواهب علمی این عصر، اسیر مادیات نشد.

■ ساده‌زیستی و فقر

ممکن است این تصور پیش آید که اسلام با تأکید شدید بر ساده‌زیستی، مروج فقر است، در حالی که به هیچ وجه ساده‌زیستی به معنای توصیه پذیرش فقر و استضعاف نیست و نظر اسلام، فقر زدایی است، نه فقر زایی. فقر، نداشتن و ناداری است، اما ساده‌زیستی، نخواستن در عین تمکن می‌باشد. ساده‌زیستی، گذشت از سر اقتدار است، اما فقر، گذشت محرومانه است. ساده‌زیست، دارد و نمی‌خواهد، اما فقیر، ندارد تا بخواهد.

اسلام نه تنها فقر را نمی‌ستاید، بلکه آن را به شدت محکوم می‌کند و از آن بر حذر می‌دارد، تا جایی که پیامبر اسلام (ص) از فقر به خدا پناه می‌برد (قمی، ۱۴۰۴، ص ۳۹) و آن را از هر مرگی بدتر می‌داند.

امام علی (ع) می‌فرماید: پسر ما از فقر بر تو بیمناکم، پس از آن به خدا پناه ببر که فقر مایه کاستی دین و سرگردانی عقل است و به دشمنی می‌انجامد. (نهج البلاغه، قصار، ۳۱۹)

ابو اسحاق سبعمی می‌گوید: یک روز جمعه بر دوش پدرم سوار بودم و امام علی (ع) خطبه می‌خواند. دیدم آن حضرت دست خود را تکان می‌دهد. گویا با آستین پیراهنش خود را باد می‌زند، به پدرم گفتم: آیا امیر مؤمنان گرمش است؟ گفت: او گرما و سرما را چیزی به حساب نمی‌آورد، بلکه پیراهنش را شسته و چون پیراهنی جز آن نداشته، آن را مرطوب به تن کرده است و چنین می‌کند تا خشک شود. (پیشین)

کدام زمامداری را می‌توان مانند امام علی (ع) یافت که خوراک و پوشاکش چون ضعیف‌ترین مردم باشد و از این سیره نیکو تا لحظه وداع از این دنیا دست بر ندارد.

■ حضرت زهرا (س) و ساده‌زیستی

حضرت زهرا (س) نیز شاگرد ملر سه پیامبر (ص) و الگوی ساده‌زیستی است. وقتی سلمان فارسی چادر کهنه ایشان را دید که با لیف خرما دوازده جای آن وصله شده بود، متعجب گردید و با گریه چنین گفت: دختران قیصر و کسری در سندس و حریرند و دختر محمد (ص) روپوشی کهنه بر تن دارد که دوازده جای آن وصله شده است. آن حضرت گفت: یا رسول الله (ص)! سلمان از لباس تعجب کرده است، قسم به آن که تو را به حق مبعوث فرمود، پنج سال است که من و علی جز یک پوست گوسفند نداریم که روزها بر روی آن به شترمان علف می‌دهیم و چون شب فرامی‌رسد آن را فرش می‌کنیم و بالش ماز پوستی است که درون آن از لیف خرما پوشیده است! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۰۳)

■ ساده‌زیستی و مقتضیات زمان

هر چند ساده زیستی به عنوان اصلی ثابت در زندگی پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) شناخته می‌شود، اما طبیعی است که این اصل در اوضاع و احوال گوناگون و اعصار مختلف، صورت و شکل مناسب آن زمان را پیدا می‌کند. بر این اساس، پیشوایان دین با حفظ اصل ساده‌زیستی، مقتضیات زمان خود را در نظر می‌گرفتند. این نکته مهمی است که باید در شناخت سیره معصومان مورد توجه قرار گیرد، چرا که در غیر این صورت باعث ایجاد شک و شبهه درباره زندگی آن بزرگواران می‌گردد. نمونه زیر حاصل عدم شناخت این نکته مهم در زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

■ فلسفه ساده‌زیستی

ساده‌زیستی در اسلام، تحمل محرومیت بی‌منطق نیست، بلکه باید بر اساس حکم عقل و نقل صورت گیرد. اما چرا اسلام ساده‌زیستی را ارزش می‌داند و فلسفه آن چیست؟ در این جا به بعضی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

۱- هم‌دردی با محرومان

فلسفه ساده‌زیستی هم دردی و شرکت عملی در غم‌مستندان است. اگر افراد جامعه به خصوص مدیران و رهبران جامعه زندگی ساده‌ای را برگزینند، هم درد و رنج محرومان را لمس می‌کنند و هم با آنان هم‌دردی کرده‌اند. از این رو امام علی (ع) می‌فرماید: اگر می‌خواستیم می‌توانستیم از عسل خالص و مغز گندم و بافته ابریشم برای خود خوراک و پوشاک تهیه کنیم، اما هرگز هوا و هوس بر من چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به برگزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. در حالی که ممکن است در سرزمین "حجاز" یا "یمامه" کسی باشد که حسرت گرفته نانی برد و یا هرگز شکمی سیر نخورد، آیا من سیر بخوابم و پیرامون شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته؟ یا چنان باشم که آن شاعر گفته است:

و حوَلکَ اَکْبَادُ تُحْنُ اِلَى الْقَدِّ

و حسبک داءُ اَنْ تَبیتَ بَیْطَنه

این درد تو را بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت شکم‌هایی گرسنه به پشت چسبیده باشد. آیا بدین بسنده کنم که مرا امیر مؤمنان گویند و در ناخوش آیندی‌های روزگار شریک آنان نیاشم؟ (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

■ آثار ساده‌زیستی

ساده‌زیستی آثار فراوانی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- آسودگی

همه اضطراب‌ها و نگرانی‌ها از دنیا و مظاهر آن است، که با ساده‌زیستی می‌توان آن‌ها را برطرف کرد و به آسودگی دست یافت. امام علی (ع) می‌فرماید: "الرغبة مفتاح النصب و مُطیة التَّعب (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱)؛ شیفتگی دنیا، کلید دشواری و مرکب گرفتاری است."

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: شیفتگی در دنیا، مایه غم و اندوه است و زهد در دنیا، آسایش جسم و جان را در پی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۱۷۵ و حجتی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۹)

ممکن است تصور شود که ساده‌زیستی، مستلزم نوعی ریاضت و به زحمت انداختن جسم است، در حالی که چنین نیست، راحتی و آسایش روحی در زندگی آسان و ساده به دست می‌آید، چنان که امام علی (ع) گنجی را بی‌نیاز کننده تر از قناعت و مالی را با برکت‌تر از بسنده کردن به روزی روزانه نمی‌داند. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱)

زندگی پرهزینه و تجملی است که خاطر انسان را به خود مشغول می‌کند، زیرا لازمه این زندگی، درآمد بالاست که تحصیل آن، سعی خستگی‌ناپذیر می‌خواهد و همین تلاش بی‌وقفه، استراحت و لذت بردن را از انسان سلب می‌کند.

۲- موفقیت در زندگی

یکی از آثار ساده‌زیستی، کامیابی و توفیق در زندگی است. این سخن نیاز به استدلال ندارد، تجربه نشان داده است که بیشتر مخترعان و مکتشفان و نخبگان جامعه که به بشر خدمت کرده‌اند، از قشر محروم یا متوسط بوده‌اند، برای آشنایی بیشتر با چنین

انسان‌هایی، یک نمونه را ذکر می‌کنیم:

مرحوم علامه شیخ محمد حسن نجفی، معروف به صاحب جواهر از علمای مشهور و به نام نجف است که کتاب گران سنگ "جواهر الکلام" وی، عظیم‌ترین کتاب فقهی و دایره‌المعارف فقه شیعه و ثمره ۲۶ سال کار مداوم او به حساب می‌آید، امام خمینی (ره) درباره ایشان می‌فرماید: "صاحب جواهر چنان کتابی نوشته است که اگر صد نفر بخواهند بنویسند شاید از عهده [اش] بر نیاید و این یک کاخ‌نشین نبوده است... یک منزل محقر داشتند، از یک آدمی که علاقه به شکم، شهوات، مال و منال و جاه و امثال این‌ها دارد، این کارها بر نمی‌آید. طبع قضیه این است که نتواند." (خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۴۷۱)

۳- سرمایه‌گذاری

ساده‌زیستی یک نوع سرمایه‌گذاری است. با توجه به زندگی محدود و نیازهای و ناگون بشر باید انسان برای نیازهای ماندگار خود، سرمایه‌گذاری کند. در سیرالی که هدف‌نهایی خلقت انسان است، بهترین زاد و توشه، سبک‌بالی است. چون هر چه آدمی خود را وابسته کند از طی طریق باز می‌ماند. امام علی (ع) می‌فرماید: "تَحَفُّوا تلحقوا؛ سبک بار شوید تا زودتر برسید." (نهج البلاغه، خطبه ۲۱)

همان طوری که کوه‌نورد برای رسیدن به قله کوه و صعودی آسان و موفق، از حمل بار اضافی پرهیز می‌کند و می‌داند هر چه بر بار خود بیفزاید، احتمال رسیدن او به قله کاهش می‌یابد، شخصی که خود را در این جهان پهناور چون مسافری می‌بیند که سفری طولانی در پیش دارد، سعی می‌کند زندگی ساده و بی‌آلایشی داشته باشد تا از آن هدف باز نماند. او می‌داند برای پیمودن راه درازی که در پیش دارد، باید امکانات و سرمایه لازم را فراهم کند و عاقلانه‌تر آن است که چیزی را برگریند که کم‌وزن‌تر و پراج‌تر باشد و این کاری است که هر انسان عاقل و دور اندیشی انجام می‌دهد. (نصری، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷)



۴- قدرت

امام علی (ع) راز قدرت مندی و تصمیم و اراده پیامبران را در ساده‌زیستی و بی‌پیرایگی آنان می‌داند و می‌فرماید: لکن خدای سبحان، فرستادگان خود را در اراده و تصمیم‌هایشان نیرومند و توانا گردانید و در حالاتشان که به چشم دیگران می‌آید، ضعیف و ناتوان قرارشان داد. با قناعتی که دل‌ها و چشم‌ها را از بی‌نیازی پر می‌کرد و با تنگ‌دستی و فقری که چشم‌ها و گوش‌ها را از رنج پر می‌نمود. "نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

استاد مطهری می‌گوید: یک کسی با "داشتن"، می‌خواهد چشم‌ها را پر کند و یک کسی با "ندارم ولی بی‌نیازم و اعتنا ندارم" چشم‌ها را پر می‌کند. پیامبران در نهایت سادگی بودند، ولی همان سادگی، آن جلال و جبروت‌ها و حشمت‌ها را خرد می‌کرد. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷)

حضرت موسی (ع) در سایه همین روحیه قناعت و ساده‌زیستی به آن قدرت روحی دست یافت که با آن لباس پشمی و عصای چوبی در مقابل فرعون می‌ایستد که ادعای خدایی دارد و با صلابت با او سخن می‌گوید. امام علی (ع) می‌فرماید: موسی با برادرش هارون بر فرعون وارد شدند در حالی که لباس‌های پشمین بر تن داشتند و در دست هر کدام عصایی بود. با او شرط کردند که اگر تسلیم فرمان پروردگار شوی، حکومت تو باقی می‌ماند و عزت و قدرت تو دوام می‌یابد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

ساده‌زیستی به انسان چنان قدرتی می‌دهد که در هر عرصه‌ای می‌تواند دست به کارهای سترگ بزند. امام خمینی (ره) در این باره می‌گوید: "اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده‌زیستی عادت دهید." (خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۴۷۱)

۵- آزادگی

شهید مطهری در مورد ساده‌زیستی رهبران الهی می‌گوید: افرادی رامی‌بینید که در دنیا ساده زندگی می‌کنند، بدون این که لذت‌های خدا را بر خودشان حرام کرده باشند و بدون این که از کارهای زندگی دست بکشند. این‌ها در متن زندگی واقع هستند ولی دلشان می‌خواهد ساده زندگی کنند. چرا؟ می‌گوید برای این که من نمی‌خواهم آزادی‌ای را به چیزی بفروشم، به هر اندازه خودم را به اشیامقید کنم، اسیر آنها هستم و وقتی اسیر اشیاء باشم، مثل کسی هستم که هزار بنده او بسته است. چنین آدمی نمی‌تواند راه برود و سبک بار و سبک بال باشد و لهذا زندگی پیامبران عظام و رهبران بزرگ اجتماع، همواره زندگی ساده‌ای بوده، زیرا اگر زندگی پر تجمل می‌داشتند دیگر از رهبری می‌بایست دست می‌کشیدند. زندگی پر تجمل با رهبری که لازمه آن سبک باری و سبک بالی و جنبش زیاد و آزادی و آزادگی است، نمی‌سازد. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۶۳)

نیاز و وابستگی به دنیا، انسان را برده و مطیع خود می‌سازد، زیرا اقیدها و بندها و تعلقات مادی و تجمل‌گرایی، آزادی عمل رامی‌گیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: دنیا گذرگاه است نه ایستگاه. مردم در این دنیا دو دسته‌اند: برخی خود را می‌فروشند و برده دنیا می‌شوند و خود را تابه می‌سازند و برخی خویشان را می‌خرند و آن را آزاد می‌کنند. (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳)

آثار مخرب تجمل‌گرایی در زندگی

۱- گسترش فساد: با گرایش به زندگی تجملی، هزینه‌های مصرف بالا می‌رود و طبیعی است که راه‌های مشروع، کفایت نمی‌کند. لذا مردم برای دستیابی به خواسته‌های روزافزون خود، از شیوه‌های نامشروع مانند: چالوس، رانت‌خواری، ربا و ... بهره می‌جویند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: "این خوی کاخ‌نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد، از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است." (خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۲۱۸)

پیامبر اکرم (ص) در گفت و گو با ابوذر از این نوع گرایش ابراز نگرانی کرده و می‌فرماید:

به زودی مردمی از امت من خواهند بود که در دامن نعمت‌ها تولد می‌یابند، همتشان غذاها و نوشیدنی‌های گوناگون و رنگارنگ است و مورد ستایش نیز قرار می‌گیرند. ایشان بدترین افراد امت من هستند. (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۸۸ و طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۳۲۱)

ابن خلدون، متفکر و جامعه‌شناس مسلمان، تجمل و رفاه زدگی را دشمن شهرنشینی می‌داند و می‌گوید: "تجمل خواهی و ناز پروردگی برای مردم، تباهی آور است، چه در نهاد آدمی انواع بدی‌ها و فرومایگی‌ها و عادات زشت، پدید می‌آورد و خصل نیکی را نشانه و راهنمای کشورداری است، از میان می‌برد و انسان را به خصل مناقض متصف می‌کند." (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۸)

۲- سقوط و نابودی: قرآن کریم، خوش گذرانی را عامل سقوط می‌شمارد و می‌فرماید: "و کم اهلکنا من قریه بطرت معیشتها (قصص ۵۸)؛ چه بسیار قریه‌ها را از میان بردیم که از زندگی خود گرفتار سرمستی بودند."

در آیهای دیگر، خداوند متعال اتراف و ترفه را باعث سقوط و نابودی شمرده است: "و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفها ففسقوا فيها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا (اسراء/۱۶)؛ و چون اراده کردیم که جمعیت و دیاری را نابود کنیم، توان گران خوش گذران را وادار به فساد می‌کنیم و وقتی به فسق پرداختند سزاوار عذاب می‌شوند. آن گاه آن جارا زیرووری کنیم و نابودشان می‌سازیم."

این آیه به یکی از سنت‌های قطعی پروردگار درباره هلاکت مردم و ارتباط آن با رفاه زدگی و تجمل‌گرایی اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۱۵۹)

ابن خلدون می‌گوید: "به هر اندازه (ملتی) بیشتر در ناز و نعمت فرو روند، به همان میزان به نابودی نزدیک‌تر می‌شوند." (ابن خلدون، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۸)

۳- انحطاط اخلاقی: امام علی (ع) از رفاه زدگی به "سکر نعمت" یعنی مستی ناشی از تجمل و رفاه، یاد می‌کند که متأسفانه پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، امت اسلامی به آن مبتلا شدند. آن حضرت می‌فرماید: "تم انکم معشر العرب اغراض بلایا قدا اقتربت، فاتقوا سكرات النعمه و احذروا بوائق النقمه؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱) شما مردم عرب، هدف مصایبی هستید که نزدیک است. همانا از مستی‌های نعمت بترسید و از بلایای انتقام بپراسید."

۴- اسراف: بسیاری از مخارج و مصارف، بر اساس میل‌ها و نیازهای واقعی صورت نمی‌گیرد. یکی از نتایج دوری از ساده‌زیستی و تجمل‌گرایی، ابتلا به اسراف و زیاده‌روی است و دلایل عادات ناپسند، چشم و هم‌چشمی‌ها و تقلید کور کورانه از فرهنگ بیگانه و ... می‌باشد، و این همان چیزی است که اسلام آن را حرام کرده است. قرآن مجید می‌فرماید: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (انعام/۱۴۱) در جای دیگر، اسراف کنندگان را از اصحاب آتش دانسته است. (غافر/۳۳)

بدیهی است که با ساده‌زیستی و قناعت می‌توان از اسراف و ریخت و پاش‌های بی‌بیهوده و خرج‌های اضافی جلوگیری کرد و نیازمندان را از فقر و نداری نجات داد. اسراف علاوه بر ضربه زدن به نظام اقتصادی جامعه، خسارت بزرگ معنوی محسوب می‌شود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: آن که بخورد و بپوشد و سوار شود از روی لذت و اشتهای نفسانی، خداوند بر او نظر نمی‌افکند تا جان دهد یا ترک نماید. (عاملی، ۱۴۰۳، ص ۷۹)

۵- کمرنگ شدن ارزش‌ها و سنت‌ها: یکی از آثار تجمل‌گرایی در جامعه، متروک شدن سنت‌های الهی و آداب اسلامی است. وجود تشریفات زاید و رسوم و آداب گوناگون باعث شده است ازدواج که سنت پیامبر اعظم (ص) است و موجب آرامش خانواده و سلامت روح و روان افراد و عفت عمومی در جامعه می‌شود، به تأخیر افتد و جوانان در وقت مناسب نتوانند تشکیل خانواده دهند، در حالی که با حذف تشریفات و روی آوردن به ساده‌زیستی که اسلام به ویژه در امر مهم ازدواج، خواهان آن است، می‌توان اسباب ازدواج بسیاری از جوانان را فراهم کرد.

نمونه دیگر از آثار تجمل‌گرایی، کمرنگ شدن روابط عاطفی و دید و بازدید و صلح و رحمت و اکتفا به ارتباط از راه دور و روابط سرد و خاموش از طریق تلفن یا نامه یا اینترنت و ... می‌باشد. بدیهی است علاوه بر مشغله‌های روزمره، مهم‌ترین عامل این اثر را باید در تجمل‌گرایی و به تکلف افتادن خانواده‌ها جست و جو کرد. (برومند، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷)